

## تحلیل جایگاه بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای

حسین مهدیان<sup>۱\*</sup>

جلال ترکشوند<sup>۲</sup>

کامل منیری<sup>۳</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

بازدارندگی از جمله مفاهیم راهبردی است که به معنی جلوگیری از بروز اقدام‌های تهدیدآمیز از راه تهدید کردن و نمایش قدرت می‌باشد و در هر دو حوزه استراتژی و دیپلماسی کاربرد دارد. در این پژوهش بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این خصوص جایگاه بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای ایران از زمان شکل‌گیری پرونده هسته‌ای تا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، در دولت‌های هشتم تا یازدهم به صورت کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نظر روش شناسی توصیفی قلمداد می‌شود و محققین سعی دارند با تحلیل توصیفی پرونده هسته‌ای ایران نقش و جایگاه آن را در بازدارندگی دفاعی کشور مورد ارزیابی قرار دهند. بنابراین هدف اصلی این پژوهش تبیین تأثیر پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای بر امنیت ملی کشور می‌باشد. نتایج ارزیابی پیمایشی در خصوص اینکه عامل اصلی شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تا رسیدن به فناوری و تکمیل تکنولوژی چرخه سوخت هسته‌ای در همه سطوح، از سوی نظام ج.ا.ایران کدامیک از موارد: ۱- امنیت هویتی، ۲- امنیت نظامی (کسب بازدارندگی دفاعی) و ۳- امنیت اقتصادی بوده است؟ نشان می‌دهد که «کسب بازدارندگی دفاعی» در سیاست امنیت ملی دولت‌های مختلف ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، نسبت به مقوله‌های هویت خواهی (امنیت هویتی) و ثروت خواهی (امنیت اقتصادی)، اثرگذاری کمتری داشته است. بنابراین، از منظر این پژوهش، هر چند امنیت نظامی و کسب بازدارندگی دفاعی جایگاهی محوری در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران دارد اما -با توجه به اینکه ساخت تسلیحات هسته‌ای جایی در بازدارندگی دفاعی ج.ا.ایران ندارد- جایگاه امنیت نظامی و بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی در برنامه و پرونده هسته‌ای، به مراتب کمتر از سایر مقوله‌های امنیت و به خصوص امنیت هویتی بوده است.

**واژگان کلیدی:** بازدارندگی دفاعی، سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران، پرونده هسته‌ای.

<sup>۱</sup> . استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> . دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> . دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: hmahdian58@gmail.com



## مقدمه

برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران و بین‌المللی شدن آن تحت عنوان پرونده هسته‌ای، از مهمترین مسائل و در عین حال طولانی‌ترین چالش‌های ج.ا.ایران در عرصه بین‌المللی است که در دو دهه اول قرن بیست و یکم بخش عظیمی از سیاست‌های داخلی و خارجی کشور را به خود معطوف داشته است. اهمیت این برنامه تا جای است که علاوه بر سیاست، سایر بخش‌های کشور مانند فناوری، اقتصاد، انرژی و... را به خود مشغول داشته است و این موضوع به عرصه پیچیده‌ترین تحولات دیپلماتیک در حوزه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فنی و امنیتی بین ایران قدرت‌های مؤثر نظام بین‌الملل تبدیل شده است. یکی از دلایل اصلی بین‌المللی شدن برنامه هسته‌ای ایران تحت عنوان پرونده هسته‌ای، ترس کشورهای غربی از ابعاد و چشم انداز نظامی این پرونده بوده است. قبل از انقلاب اسلامی، آمریکا و کشورهای غربی به دلیل نوع نگاه و برداشتی که نسبت به ایران و نظام سیاسی آن داشتند، ایران را کشوری «خودی» قلمداد می‌نمودند. از این رو، برنامه هسته‌ای ایران مورد حمایت ایالات متحده و کشورهای غربی متحدش قرار داشت و نه تنها از برنامه هسته‌ای ایران استقبال نمودند و حتی ترغیب کننده آن نیز بودند و همکاری‌های فنی را با ایران شروع کردند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران همچنان به عضویت خود در <sup>۱</sup>NPT پایبند بود و موافقت‌نامه پادمان و اساسنامه آژانس را ادامه داد، کشورهای غربی به دلیل تضادهای هویتی با انقلاب اسلامی، در «نگاه» و «برداشتشان» ج.ا.ایران را «دگر و دشمن» هویتی و ایدئولوژیک «خود» محسوب نمودند، و اجرای موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای خود با ایران (از جمله ساخت نیروگاه بوشهر) را به حالت تعلیق درآوردند.

کناره‌گیری و عدم تمایل کشورهای غربی برای تکمیل نیروگاه بوشهر و محدودیت‌هایی که این کشورها برای جلوگیری از انتقال این فناوری به کشور ایران مطرح می‌کردند، باعث شکل‌گیری این نگاه در ایرانیان گردید کشورهای صاحب فناوری هسته‌ای و به خصوص کشورهای غربی ایران را در تقابل با منافع خود دانسته و همین امر امکان دسترسی ایران به بازارهای بین‌المللی سوخت هسته‌ای با مشکل مواجه می‌نمود. ضمن اینکه وابستگی به کشورهای غربی که جمهوری اسلامی نیز آنها را «دگر» خود محسوب می‌کرد، استقلال کشور و نظام انقلابی را خدشه‌دار می‌نمود. از

<sup>۱</sup>- Nuclear Non-Proliferation Treaty

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای یا پیمان عدم اشاعه هسته‌ای یا معاهده عدم اشاعه هسته‌ای، در دوران جنگ سرد، در ژانویه ۱۹۶۷ برابر با ۱۳۴۷ به صورت محدود بین چند کشور جهان منعقد شد. این پیمان کشورهای جهان را به دو طبقه برخوردار از سلاح هسته‌ای و غیربرخوردار از سلاح هسته‌ای تقسیم می‌کند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۴۸)

این رو، حرکت به سمت «بومی‌سازی فناوری پیشرفته هسته‌ای»، به صورت جدی در دستور کار مقامات و مسئولان ج.ا.ایران قرار گرفت. در ادامه این رویکرد، موفقیت دانشمندان هسته‌ای ایران در دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای بر نگرانی کشورهای غربی افزود و با ایجاد هیاهو در زمینه برنامه هسته‌ای زمین بردن موضوع هسته‌ای ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شکل‌گیری پرونده هسته‌ای را فراهم آوردند و در نهایت با بردن پرونده هسته‌ای به شورای امنیت و بر ساخته کردن این ذهنیت که برنامه هسته‌ای ایران دارای اهداف نظامی است، آن را به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی معرفی نمودند و در ذیل فصل هفتم منشور شورای امنیت قرار دادند و در سایه آن تا زمان رسیدن به توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵، قطعنامه‌های متعددی را بر علیه ایران و برنامه هسته‌ای آن صادر نمودند. در مقابل مسئولان حاکمیتی و دولتی ج.ا.ایران (قبل و بعد از توافق هسته‌ای با ۵+۱) بارها اعلام نموده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران در راستای اهداف صلح‌آمیز بوده و تسلحات هسته‌ای جایگاهی در استراتژی بازدارندگی نظامی جمهوری اسلامی ایران ندارد. در این زمینه مقام معظم رهبری (مد ظله) بارها بر حرام بودن تولید و استفاده از تسلیحات نامتعارف هسته‌ای تأکید نموده‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌داند. ما شعار «خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است...» (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد ۱۳۹۱/۹/۶). همچنین در فرازی دیگر می‌فرمایند: «این حرف تکراری از دهن افتاده‌ی مهملی که راجع به ساخت سلاح اتمی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، نشان‌دهنده‌ی نهایت ناتوانی اینها حتی در زمینه‌ی تبلیغات است. جمهوری اسلامی هیچ‌اصرا‌ری هم ندارد که در دفاع خودش در این قضیه خیلی احساسات به خرج بدهد؛ نه، ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن اینگونه وسائل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران ۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

بنابراین، در دو سوی تحولات پرونده هسته‌ای ایران در ۱۴ سال اخیر، دو دیدگاه و نگرش -هر چند با شدت و ضعف اما نسبتاً پایدار و مشهود- نسبت به برنامه هسته‌ای ایران وجود داشته است. نخست؛ ج.ا.ایران برنامه هسته‌ای خود را مسالمت‌آمیز دانسته و بر اساس هنجارهای کنونی بین‌المللی از جمله بند ۴ معاهده «ان پی تی»، حق طبیعی خود می‌داند. در مقابل این دیدگاه

ایران، نگرش و دیدگاه کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا قرار دارد که برنامه هسته‌ای ایران را تلاش در راستای دستیابی به سلاح اتمی دانسته و به همین دلیل رویکرد فشار و تهدید را در برابر آن در پیش گرفته‌اند.

پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران با فراز و نشیب‌های یادشده در طول دو دهه گذشته، از سوی صاحب‌نظران متعدد از منظرگاه‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است و عوامل مهم تأثیرگذار بر رویکرد و نگرش طرفین (پرونده) بررسی و تحلیل شده است. اما با توجه اینکه یکی از عوامل تأثیرگذار بر پرونده هسته‌ای ادعای اهداف نظامی برنامه هسته‌ای از سوی کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا است، تحلیل علمی جایگاه بازدارندگی هسته‌ای در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و از سوی دیگر به دلیل حجم گسترده دستگاه‌های رسانه‌ای و نوشتاری غرب بر ضد برنامه هسته‌ای ایران، اجرای این پژوهش در راستای شفاف‌سازی موضوع ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، مسئله‌ی اصلی پژوهش صورت گرفته آن است که امنیت نظامی در مقایسه با دیگر ابعاد (امنیت هویتی و امنیت اقتصادی) چه جایگاهی را در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای کشور دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### پیشینه پژوهش

جدول (۱) پیشینه‌های پژوهش

ردیف	عنوان کتاب/ مقاله	نویسنده	نتایج
۱	آثار سیاسی فناوری هسته‌ای بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۹۹	کریمی فرد، حسی ن، بینش فر، علیرضا	رویکرد هوشمندانه به سرچشمه‌های قدرت از جمله فناوری هسته‌ای به تولید قدرت ملی، وزن ژئوپلیتیکی، گسترش حوزه نفوذ و ارتقای جایگاه جهانی ایران می‌انجامد. نتایج این پژوهش موید این رهیافت مدبرانه است. چرا که رده‌بندی قدرت ملی دولت‌های مختلف یک کشور، شناخت آنها را تسهیل و تعاملات ملی را شفاف‌تر می‌سازد و مردم را در راه تحقق اهداف ملی و صیانت از منافع ملی یاری خواهد رساند.
۲	نقش سیاست بر تقویت انسجام و	بینائیان، اباذر - ۱۳۹۹	یکی از مهمترین سیاست‌هایی که در دهه اخیر به نظر می‌رسد بر هویت و انسجام مردم دارای تأثیر بوده، سیاست هسته‌ای است. یافته‌ها این پژوهش بیانگر آن است که سیاست انرژی هسته‌ای بر انسجام و هویت

ردیف	عنوان کتاب/ مقاله	نویسنده	نتایج
	هویت ملی مطالعه موردی: سیاست انرژی هسته‌ای ج.ا.ایران		ملی تأثیر معناداری به واسطه «ساز و کارهای اقناع مردم» در سه قالب «گفتمان‌ها»، «تاکتیکها» و «ابزارها» داشته است.
۳	مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران	طباطبایی، سیدمحمد , منتظری، حمیدرض ۱-۱۳۹۷	هدف این مقاله این است که رویکرد بوش و اوباما نسبت به پرونده هسته‌ای ایران چه تفاوت‌هایی با هم داشت و بر مبنای کدام رهیافت‌های روابط بین‌الملل قابل توصیف و تحلیل است؟ جرج بوش و کابینه او با تأکید بر استثناگرایی آمریکا، تهدید مداوم مبنی بر حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران و همکاری نکردن با دیگر کنشگران درگیر در این ماجرا، عملکردی عمدتاً یکجانبه‌گرایانه را در قبال پرونده هسته‌ای ایران در پیش گرفته بودند. اما اوباما توانست با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی آمریکا محور، اجماع قدرت‌های بزرگ و نهادهای تاثیرگذار سیاسی و اقتصادی را در مقابله با ایران کسب کرده و گروه ۵+۱ و ایران بعد از مذاکراتی طولانی به توافق رسیدند.
۴	توافق هسته‌ای ایران چیست؟	کالی رابینسون -۲۰۲۱	نویسنده این پژوهش بر این موضع تأکید دارد که توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی به جلوگیری از احیای برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران کمک می‌کند و در نتیجه چشم‌انداز درگیری بین ایران و رقبای منطقه‌ای آن از جمله اسرائیل و عربستان سعودی را کاهش می‌دهد.
۵	تصمیم گیری هسته‌ای در ایران: پیامدهای آن برای اقدامات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای	آرین طباطبایی - ۲۰۲۰	در این مقاله، آرین طباطبایی به دنبال نحوه تصمیم‌گیری هسته‌ای ایران است تا هم چگونگی دستیابی به تصمیمات توضیح داده شود و هم اثرات آن تصمیمات مشخص شود. ایران در پاسخ به فشار حداکثری که توسط تحریم‌های بین‌المللی تحت هدایت ایالات متحده به آن تحمیل شده است تلاش نمود تعهدات هسته‌ای را به صورت مرحله‌ای کاهش دهد.

ردیف	عنوان کتاب/ مقاله	نویسنده	نتایج
	ایالات متحده		
۶	توافق هسته ای ایران	کوبین لامارک - ۲۰۲۱	هدف این مقاله این است که نشان دهد انتخاب جو بایدن و همراهی اتحادیه اروپا با او در بازگشت ایالات متحده به توافق هسته ای می‌تواند برخی انتظارات از دیپلماسی جدید را برانگیزد و ایران را از کاهش تعهدات خود بازداشته و مجدداً وادار به مذاکره نماید.
۷	بنیان توافق هسته ای ایران برای صلح و امنیت بین المللی	حسین موسویان ۲۰۱۸	این مقاله مهمترین عواملی را که ایران و قدرتهای جهانی را به دستیابی به توافق سوق داده است بررسی می‌کند. این عوامل شامل تمایل هر دو طرف به چانه‌زنی‌های اصلی برای تأمین منافع، تغییر در رهبری هر دو کشور و تغییر زمینه ژئوپلیتیک بود. مهمترین تمایل ایالات متحده برای تغییر خواسته های خود از ایران عدم غنی سازی هسته ای و جلوگیری از تلاش ایران برای دستیابی به بمب هسته ای بود. و اهداف ایران از توافق برجام بهبود اقتصاد، عادی سازی تجارت نفت و گاز، توسعه زیرساخت ها و عادی سازی روابط سیاسی خود در سراسر جهان بود.

## مبانی نظری

### امنیت ملی

محققان مختلف برای امنیت ملی تعاریف گوناگونی را ارائه نموده‌اند. برخی از نویسندگان امنیت ملی را به معنی نبود تهدید نظامی گرفته‌اند. برخی بر محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات واژگون سازی از خارج تأکید می‌کنند. یکی از تعریف‌های موجود برای این مفهوم، تعریف کلاسیک از آن است. بنا به این تعریف امنیت عبارت است از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود. در فرهنگ علوم سیاسی چنین آمده است: «امنیت ملی عبارت است از احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور می‌باشد». در فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل این مفهوم بدین صورت تعریف شده است: «حالتی که ملت فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر می‌برد» (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۹-۱۶۸). والتر لپمن<sup>۱</sup>، نویسنده و محقق آمریکایی در زمینه امنیت ملی می‌گوید: «یک کشور وقتی دارای امنیت

<sup>1</sup>- Walter Lippman

است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد» (مهدیان، ۱۳۹۲: ۲۰).

تعاریف بالا بیشتر در نگاه کلاسیک از امنیت ملی گنجانده می‌شوند؛ زیرا عمدتاً بر بُعد نظامی و تهدید نظامی تأکید دارند. در حال حاضر با توجه به وسیع‌تر شدن دامنه اهداف و منافع ملی، بر دامنه تهدیدهای و به تبع آن اهداف امنیت ملی افزوده شده است، لازم است به دنبال تعریف جامع‌تری از امنیت ملی باشیم. روشنندل با در نظر گرفتن شرایط مذکور و با دید وسیع‌تری به ابعاد امنیت ملی، آن را این گونه تعریف می‌نماید: «امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد، از تهدیدهای بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشنندل، ۱۳۸۴: ۱۳). در این تعریف نیز هر چند بر ابعاد وسیع‌تری از امنیت ملی و تهدیدهای آن اشاره شده است، اما بیشتر به تهدیدهای خارجی اشاره شده است و کم‌تر به تهدیدهای داخلی توجه شده است. در تعریف دیگری از امنیت ملی چنین بیان شده است: «امنیت ملی» یعنی اهدافی که برنامه‌ریزان امنیت ملی سعی در دستیابی به آن‌ها را دارند، تا دنیایی بسازند که در آن ارزش‌های ملی در امان و مصون باشد و این ارزش با ایجاد محیط داخلی و خارجی مناسب حفظ شوند. هدف اصلی سیاست امنیت ملی نیز حفظ امنیت کشور می‌باشد (ربیعی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

ولفرز<sup>۱</sup> امنیت ملی را به طور عینی به معنای «فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های مکتسبه» و به طور ذهنی به مفهوم «فقدان ترس از حمله به این ارزش‌ها» می‌داند. پیترسون<sup>۲</sup> و سبینیوس<sup>۳</sup> با استفاده از تعریف کاربردی شورای امنیت ملی آمریکا، امنیت ملی را «حفاظت جامعه از لطمه خوردن به نهادها و ارزش‌های بنیادی آن» تلقی می‌کنند (مهدیان، ۱۳۹۲: ۲۰).

رابرت ماندل<sup>۴</sup> نیز تعریف زیر را برای امنیت ملی پیشنهاد می‌کند: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدید مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود جلوگیری به عمل آورند. نکته محوری این تعریف، بیشتر کلمه «تعقیب» ایمنی است تا کسب آن؛ این بدین معنی است که هر چند بیشتر دولت‌ها در تعقیب امنیت هستند، ولی ممکن است همه آن را

1- Volferze

2- Peterson

3- Sebenius

4- Robert Mandel

کسب نمایندند. هم چنین تعریف فوق شامل ایمنی مادی و روانی با هم می‌باشد (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۲).

با توجه به تعاریف متنوع فوق می‌توان گفت: امنیت ملی عبارت از توانایی ملی در جهت تأمین و صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی، معیشتی و هویتی مردم و سرزمین و ارتقاء و بهینه‌سازی آن و تعقیب و تخصیص منافع ملی در دوران جنگ و صلح در قبال تهدیدهای داخلی و خارجی است. از این تعریف بر می‌آید که امنیت ملی واجد ابعاد دوگانه سلبی و ایجابی است. در بُعد سلبی به نفی، رفع و تقلیل تهدید و در بُعد ایجابی به ارتقاء و بهینه‌سازی وضعیت فضای زیستی جوامع از نظر اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی اشاره دارد. به علاوه از رویکرد نرم‌افزاری تهدیدها صرفاً واجد ماهیت نظامی و منبعث از محیط خارجی متأثر نیست، بلکه تهدیدها شکل‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به خود می‌گیرد و در محیط داخلی نیز ریشه دارد (مه‌دی‌ان، ۱۳۹۲: ۲۱).

#### سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)

از نگاه مقام معظم رهبری، امنیت ملی همان فرایند گسترده حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است و دستیابی به آرمان‌های متعالی و هموار ساختن مسیر رشد و تعالی مرهون توسعه اقتدار روز افزون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی؛ تا بتواند با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها، امکانات و استعدادهای درونی بحران‌های ناخواسته داخلی و تهدیدهای دشمنان خارجی را یکی پس از دیگری خنثی نماید و به سلامت به سر منزل مقصود برسد. بنابراین به صراحت می‌توان گفت که پرداختن همه جانبه به مقوله ابعاد مؤلفه‌های امنیت ملی و دوری از چالش‌ها و دفع تهدیدها در شرایط فعلی و حساس نظام مهم‌ترین موضوعی است که شایسته است در دستور کار کارگزاران نظام اسلامی قرار گیرد. مقام معظم رهبری، اهداف و اصول امنیت ملی را از زاویه نگاه و اصول اعتقادی خود که همانا اسلام راستین است استخراج نموده و هدف اصلی از اصول و اهداف امنیت ملی حال حاضر جمهوری اسلامی، در حقیقت یک ابزار در خدمت اندیشه و گفتمان اسلام است که در اندیشه حفظ جان و مال و ناموس مسلمین در کنار حفظ ارزش‌ها و اعتقادات آنها در برابر سلطه کافران و معاندین و نیز ارتقا و اعتلای فکری فرهنگی مسلمانان در سراسر جهان است. مقام معظم رهبری مسیر صعود به قله افتخارات کشور را عبور از پل‌های امنیت ملی می‌داند. در این خصوص می‌فرماید: «امنیت، مقوله بسیار مهمی است و بدون امنیت، یک کشور در همه عرصه‌ها و صحنه‌های فعالیت و تلاش دچار مشکل است، در مقوله علم، در مقوله پیشرفت‌های اقتصادی، در مقوله مسائل معیشتی و شهروندی، در مقوله سازندگی کشور، در همه



مقولاتی که می تواند افتخارات بزرگ ملی را برای یک کشور به ارمغان بیاورد، پیش نیاز اصلی و اساسی عبارت است از امنیت. «بیانات در صبحگاه مشترک نیروهای مسلح کرمان، ۱۵ / ۲ / ۸۴». از دیدگاه ایشان، امنیت از اساسی ترین نیازهای مردم و جزو حقوق مسلم آنان است که کاملاً عینی، ملموس و واقعی است و اگر وجود نداشته باشد، هیچ کاری حتی عبادت خداوند برای مردم امکانپذیر نیست؛ بنابراین، ضرورت وجود امنیت برای تداوم حیات جامعه و انجام فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی مورد تأکید معظم‌له است و در کل ایشان حرکت اجتماعی و کشور را وجود امنیت می‌دانند. بدون امنیت هیچ اقدامی ممکن نیست و رشته‌های یک مملکت از هم گسسته خواهد شد (منتظران و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۳). از دیدگاه ایشان امنیت باید همه‌جانبه باشد و تمام ابعاد امنیت ملی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری، نظامی و انتظامی، فرهنگی، فکری و عقیدتی، امنیت مدنی و شهروندی، قضایی، اخلاقی، حیثیتی و آبرویی را شامل شود و هیچ کدام از حیطة های زندگی بشر نباید دچار ناامنی باشد.

#### امنیت نظامی

در مطالعات مختلف، اصطلاح «امنیت نظامی» معمولاً بیانگر توانایی یک کشور در دفاع یا جلوگیری از تجاوز نظامی است. از طرف دیگر، «امنیت نظامی» به توانایی دولت در اجرای تصمیمات سیاسی خود با استفاده از نیروی نظامی اشاره دارد. اصطلاح «امنیت نظامی» از چندین طریق مترادف با «امنیت» تلقی می‌شود (Szpyra, 2014: 64). فرهنگ لغت نظامی، «امنیت» را به عنوان شرایطی تعریف می‌کند که اقدامات محافظتی ایجاد و نگهداری می‌شود و در نتیجه آن شرایط مصونیت از اعمال خصمانه یا تأثیرات آن تأمین می‌شود (DodMAT, 2012: 279). البته امروز، دامنه امنیت نظامی از اشکال متعارف درگیری بین کشورها به سایر سطوح از جمله مبارزه بین دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی گسترش یافته است (Prabhakaran, 2008: 571). هر چند پایان جنگ سرد دلالت بخش کاهش جایگاه اهمیت امنیت نظامی در تأمین امنیت ملی کشورها بود اما رویدادها و تحولات پس از آن نشان دادند که ممکن در مقطعی اولویت امنیت نظامی در بین سایر ابعاد امنیت ملی جابجا گردد اما هیچ‌یک از ابعاد امنیت ملی نمی‌توانند جای آن را بگیرند. اساساً انحلال پیمان ورشو و فروپاشی شوروی سابق نوید بخش آزادی و مردم سالاری بود و در نتیجه آن، احتمال جنگ هسته‌ای و حتی جنگ‌های بزرگ متعارف رنگ می‌بخت. حتی برخی از صاحب‌نظران، این تحولات را چنان نوید بخش می‌دانستند که می‌گفتند دیگر مباحث مربوط به نیروی نظامی یا امنیت نظامی نیازی نیست؛ اما طولی نکشید که خبرهای بد با خبرهای خوب در آمیخت و بار دیگر نیروی نظامی اهمیت یافت (اچ. کستر و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۱۳). به اعتقاد بسیاری، هر چند تغییراتی در نقش و وظایف نیروهای نظامی به وجود آمده است، اما

تهدید نظامی هنوز اصلی‌ترین تهدید برای یک دولت محسوب می‌شود؛ زیرا تهدید نظامی همه اجزای دولت اعم از حاکمیت، سرزمین و نهاد حکومت و از سویی دستاوردهای صنعتی، اقتصادی و تمدنی جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). به همین دلیل است که امنیت نظامی همچنان یکی از ابعاد مطرح در امنیت ملی محسوب می‌شود (مهدیان، ۱۳۹۱: ۴۵). عمده‌ترین طرفداران امنیت نظامی در نظام بین‌الملل، رئالیست‌ها (واقع‌گرایان) هستند. واقع‌گرایان با طرح مفهوم بقا، امنیت را مترادف با بقا تلقی می‌نمایند و بقا نیز به معنای امکان ادامه حیات دولت (کشور) در نظام بین‌الملل است. آنان با انتخاب گزینه بقا، امنیت را در یک چارچوب کاملاً مشخص و البته محدود قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که با این رویکرد بسیاری از تهدیدها از دایره تهدیدهای امنیتی خارج می‌شوند و صرفاً جنگ و پدیده‌های کاملاً مشابه با آن در چارچوب تهدیدهای امنیتی قرار می‌گیرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۸۵). از نظر واقع‌گرایان، نظامی‌گری و اقتصاد پایه عنصر امنیت می‌باشند. امنیت نظامی عنصر اساسی امنیت است و نظم و امنیت متکی به نیروی نظامی است. در نتیجه عنصر نظامی از لازمه‌های اصلی حکومت است (Oyama, 2000: 3). در بخش امنیت نظامی دولت هنوز-ولی نه تنها- موضوع امنیت است و نخبگان حاکم دولت‌ها مهم‌ترین-ولی نه تنها- بازیگران امنیتی کننده مسائل هستند. از جمله کار ویژه‌های اصلی حکومت در داخل، حفظ نظم و آرامش داخلی و نیز اداره امور و حاکمیت قانون است. هم‌چنین دولت نوین بر اساس اندیشه حاکمیت، دعوی حق انحصاری خودگردانی قلمرویی مشخص و مردمان آن تعریف می‌شود و از آن جا که زور شیوه بسیار مؤثری برای به دست آوردن سرزمین و کنترل آن محسوب می‌شود، اساساً سرشت سرزمینی دولت مبین اولویت سنتی توجه آن به کاربرد زور می‌باشد (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۶).

فرضیه‌های مختلفی در مورد امنیت نظامی و آینده آن، فارغ از این که چه نوع نظمی بر آینده امنیت جهانی و تهدیدهای متداول حاکم خواهد شد، ارائه شده است. پیرامون رابطه بین امنیت و عنصر نظامی، ماندل<sup>۱</sup> شش فرضیه را مطرح می‌کند:

۱- هر چه قدرت نظامی، غیر متمرکز و پراکنده‌تر شود، امنیت کشورها و نظام بین‌المللی نیز بیشتر کاهش می‌یابد؛

۲- هر چه تصمیم‌گیری دفاعی در داخل و بین دولت غیرمتمرکز شود، اجرای ترتیبات امنیت جمعی نیز مشکل‌تر می‌شود؛

۳- هر چه وابستگی دفاعی یک کشور به خارج بیشتر شود، تصورات مربوط به آسیب‌پذیری و نیز از دست دادن کنترل نیز بیشتر می‌شود؛

1- Mandel

۴- هر چه کشورها منابع خود را از دفاع نظامی به مصارف دیگر اختصاص می‌دهند، اختلاف در باره مشارکت در تحمل فشارها نیز گسترش می‌یابد؛

۵- هر چه هویت تهدیدها و دشمنان مبهم‌تر گردد، آمادگی نظامی نیز کاهش یافته و نارضایتی عمومی از هزینه‌های نظامی بیشتر می‌شود؛

۶- هر چه جنگ غیر متعارف و چند وجهی تر شود، میزان موفقیت در تعیین نتیجه، پیشگیری و مدیریت آن کاهش می‌یابد (مهدیان، ۱۳۹۱: ۴۶). بنابراین، در خصوص آینده امنیت نظامی چنین به نظر می‌رسد که، هنوز عنصر نظامی تا چشم انداز قابل تصویری به عنوان یک عنصر حیاتی در قدرت ملی کشورها نقش آفرینی می‌کند (ربیعی، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

### بازدارندگی<sup>۱</sup>

بازدارندگی عبارت است از اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات که برای پیشی جستن از اقدامات خصمانه‌ی دشمن صورت می‌گیرد (نعمتی و مهدیان، ۱۳۹۵: ۶۸). بازدارندگی یک ایده نسبتاً ساده است: یک بازیگر، یک بازیگر دیگر را متقاعد می‌کند که یک تجاوز به یک هزینه منجر می‌شود، احتمالاً به صورت خسارت غیرقابل قبول که به مراتب بالاتر از هر سود بالقوه مادی یا معنوی خواهد بود. درگیری حداقل دو بازیگر بازدارندگی را به یک تعامل پیچیده اجتماعی تبدیل می‌کند. مواردی مانند ماهیت انسانی، روانشناسی و احساسات اساسی انسان مانند ترس، شجاعت، اعتماد، شهوت به قدرت و انتقام بر پیچیدگی این موضوع می‌افزایند. اگر همه اینها به سطح بازیگران دولتی برسد و سهم بقای ملی و سلاح‌های راهبردی مانند تسلیحات هسته‌ای به پیچیدگی‌های ذاتی دولتها اضافه شود، بازدارندگی به یک مفهوم بسیار پیچیده، فرار، نامحسوس اما قابل احتراق تبدیل می‌شود (Kestutis, 2016). بازدارندگی عملی است که موجب کاهش انگیزه یا ممانعت از اقدام ناخواسته (اقداماتی مانند حمله مسلحانه) کسی (معمولاً یک کشور-ملت در در سیاست جهانی) می‌شود (Michael, 2018: 2) همبستگی<sup>۲</sup>، توانمندی نظامی<sup>۳</sup> و ارتباطات<sup>۴</sup> سه شرط اساسی بازدارندگی هستند. موفقیت یا شکست استراتژی بازدارندگی به سه عامل بستگی دارد:

۱- سطح انگیزه مهاجم

۲- شفافیت در مورد هدف از بازدارندگی و اقدامات مدافع

۳- اطمینان متجاوز از توانایی و اراده مدافع برای انجام تهدیدات بازدارنده (Michael, 2018: 2).

1-Deterrence

2-Cohesion

3- Military capability

4- Communication

از منظر آکادمیک، بازدارندگی یکی از شعبات مکتب رئالیسم است که دست کم در طول نیم قرن گذشته با تعریف جدید خود و تکیه بر سلاح‌های غیرمتعارف، توانسته است تبیین‌کننده‌ی عرصه‌ی روابط بین‌الملل باشد (نعمتی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۴۳). نظریه بازدارندگی احتمالاً پرنفوذترین مکتب فکری در مطالعات روابط بین‌الملل در آمریکا است و دلیل این امر شاید آن باشد که اکثر محققان آمریکایی واقع‌گرایی را پذیرفته، آنگاه نظریه‌ای را برگزیدند که با آن سازگاری داشته باشد (ام لیوت، ۱۳۷۸: ۳۷۰). به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، کاربست این راهبرد منجر به برقراری ثبات نسبی (تا پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر)، شده بود، بنابراین شاید بتوان ادعا نمود که بازدارندگی، یک راهبرد برای حفظ وضع موجود است. ویژگی اصلی بازدارندگی آن است که ایجاد آن، هزینه‌هایی بسیار کمتر از دفاع در بر دارد. همچنین بازدارندگی یک راهبرد پیشگیرانه تلقی می‌شود که تحقق آن یکی از دغدغه‌های اصلی بیشتر دولت‌ها می‌باشد (عسگری و مهدیان، ۱۳۹۵: ۳۰).

### مفهوم و تعریف بازدارندگی

واژه بازدارندگی در برابر واژه انگلیسی Deterrence به کار می‌رود و به معنی منع کردن و توقیف کردن و جلوگیری کردن است که از فعل Deter و آن نیز از لغت لاتین Deterrence می‌آید که از ترکیب De+Terrere یعنی از ترکیب (away from+terrot) گرفته شده است، یعنی پیشگیری (کسی) از انجام عملی به سبب ترس، وحشت، تهدید و ترور (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۰).

در خصوص بازدارندگی دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی از سوی صاحب‌نظران مربوطه ارائه شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها پرداخته شده است.

پاتریک مورگان<sup>۱</sup> معتقد است «بازدارندگی، تحت تأثیر قرار دادن رفتار انسانی به واسطه تهدید وی است. بازدارندگی مستلزم تهدید به استفاده از زور برای جلوگیری از استفاده از نیروی قهریه، توسط شخص یا طرف دیگر است». (Morgan, 1983: 9). به نظر کالین گری «بازدارندگی نوعی دیپلماسی بوده و نباید آن را فقط یک راهبرد برای جنگیدن دانست؛ چراکه در واقع بازدارندگی نوعی راهبرد برای حفظ وضع موجود و درنهایت، دستیابی به صلح و استقرار آن است و به منظور متقاعد کردن طرف مقابل طرح می‌شود تا به او ثابت شود که در میان راه‌های ممکن، تجاوز کمترین اثر را دارد» (Gray, 1990: 5-8).

1- Patrick Morgan

الکساندر جورج<sup>۱</sup> و ریچارد اسموک<sup>۲</sup>، بازدارندگی را به‌عنوان سیاستی معرفی می‌کنند که هدفش مجاب کردن حریف نسبت به برتری خود و افزایش چشمگیر هزینه‌ها نسبت به منافع حاصله از تهاجم است. به نظر اسموک، «بازدارندگی، از قصد و کوشش تصمیم‌گیرندگان یک ملت یا گروهی از ملت‌ها برای تهدید ارزش‌های حیاتی ملتی دیگر یا گروهی از ملت‌ها حکایت دارد» (George and Smoke, 1974: 11).

هنری کیسینجر نیز دربارهٔ بازدارندگی می‌گوید: «هرچند بازدارندگی سیاست مسلط نظامی است، اما بیشتر از هر چیز وابسته به ملاک‌های روانی می‌باشد. در این سیاست، تلاش می‌شود تا تصور خطرهای تحمل‌ناپذیر، طرف مخالف را از ارتکاب به عمل باز دارد. پیروزی این سیاست بستگی به آگاهی کامل از محاسبات طرف مخالف نسبت به حيله‌ای که جدی گرفته شود، دارد» (مشیرزاده، تابستان ۱۳۸۰: ۷۸ - ۵۱). از نظر فریدمن «بازدارندگی در کلی‌ترین شکل آن عبارت است: از متقاعد ساختن حریف نسبت به اینکه هزینه‌ها و یا خطرات خط‌مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است» (Freedman, 2004: 6).

به نظر والتر میلیس، «درحالی که ترس از اقدامی غیرعقلانی می‌تواند بازدارندگی را تقویت کند، عقلانیت بیش از حد ممکن است به جنگ ناخواسته‌ای منجر شود و آن هنگامی است که یکی از طرفین عاقل با اعتقاد راسخ به مجبور بودن طرف مقابل به عقب‌نشینی، بحرانی را شروع کرده یا تصمیم بگیرد قاطعانه ایستادگی کند، حال آنکه محاسبهٔ طرف مقابل این است که می‌تواند به آخرین حرکت بی‌خطر دیگر دست بزند؛ چرا که طرف اول را برای عقب‌نشینی به اندازهٔ کافی عاقل می‌پندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۹۲).

براساس آنچه بیان گردید می‌توان گفت که در سیاست بین‌الملل، به بازدارندگی یا به‌عنوان راهبرد نگرینسته شده و یا به مثابه یک وضعیت، مورد نظر بوده است. بازدارندگی به‌عنوان راهبرد می‌تواند کوششی حساب شده از طرف کشور «الف» برای تشویق کشور «ب» به خودداری از انجام اقدام یا اقداماتی تعریف شود، اما بازدارندگی به منزلهٔ یک وضعیت عبارت است از محدود ساختن اختلاف یا اختلافات در چارچوبی از تهدیدهایی که هرگز عملی نمی‌شود (عسگری و مهدیان، ۱۳۹۵: ۴۱).

توجه به این نکته لازم است که بازدارندگی تنها در چارچوب قدرت سخت‌افزاری معنایی نمی‌شود. به بیان روشن‌تر در کنار ابعاد فیزیکی، جنبه‌های روانی بازدارندگی نیز بسیار حائز اهمیت هستند. بازدارندگی مبتنی بر تبادل نظر صریح است؛ به‌گونه‌ای که برخوردی رخ ندهد.

<sup>1</sup> Alexander George

<sup>2</sup> Richard Smoke

در این رابطه آندره بوفر معتقد است: بازدارندگی، فرایندی روانی است که در آن، زور جای مهمی دارد ولی اهمیتی انحصاری ندارد. (ازغندی، ۱۳۹۰: ۶۹) در واقع بازدارندگی، دشمن را از نظر فیزیکی دفع نمی‌کند، بلکه به لحاظ روانی از تجاوز او ممانعت می‌کند. کیسینجر نیز بر این اعتقاد است که بازدارندگی بیش از هر چیزی به ملاک‌های روانی وابسته می‌باشد. در این سیاست تلاش می‌شود تا با تجلی خطرات غیرقابل تحمل، طرف مخالف از ارتکاب به عمل بازداشته شود. موفقیت بازدارندگی به آگاهی کامل از محاسبه‌های طرف مخالف بستگی دارد. بلوفی که جدی گرفته می‌شود، به مراتب مؤثرتر از تهدیدی است که یک بلوف تلقی می‌شود. (عسگری و مهدیان، ۱۳۹۵: ۳۲). به عقیده برخی صاحب‌نظران مانند ریمون آرون، بازدارندگی بستگی به کشور بازدارنده و حریف، مورد، شرایط و وسایل بازدارندگی دارد. به نظر او بازدارندگی را باید با توجه به شرایط خاص و عینی آن تجزیه و تحلیل کرد. تهدیدی که دولتی را باز می‌دارد، ممکن است نتواند دولت دیگری را باز دارد. تهدیدی که در بافتی جغرافیایی - فرهنگی به موفقیت می‌انجامد، ممکن است در بافت دیگری به شکست بینجامد (عسگری و مهدیان، ۱۳۹۵: ۳۲). مطالعات مربوط به حوزه بازدارندگی تاکنون دارای چهار موج بوده است:

موج نخست، پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد که در آن نیاز به ارائه پاسخی به مشکل واقعی جهان (بمب اتمی) مطرح شد و اندیشمندان در این دوره تلاش کردند نظریه‌های بازدارنده را برای مرتفع کردن این مشکل ارائه نمایند (نعمتی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۴۷). موج دوم در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ مطرح شد. در این موج، در طراحی نظریه‌های بازدارندگی، ابزارهای کاربردی مانند نظریه بازی‌ها مطرح و به کار گرفته شد. با آغاز دهه ۱۹۶۰ و به ویژه در دهه ۱۹۷۰، موج سوم آغاز گردید که در این دوره، از روش‌های مطالعه موردی و آماری برای آزمایش‌های تجربی استفاده شد. نکته مشترک آن است که اغلب این نظریه‌ها در چارچوب بازدارندگی همگون، مطرح شده بود (مهدیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۴).

با پایان یافتن جنگ سرد و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و پیدایش بازیگران جدید مانند القاعده که بیانگر شکل‌گیری تهدیدهای جدید (تهدیدهای ناهمگون) بود، اندیشمندان، نظریه‌های مطرح شده در سه موج گذشته را کافی ندانستند. در واقع با حمله‌های ۱۱ سپتامبر تلاش‌های فراوان برای بازتعریف بازدارندگی ایجاد شد (Knopf, 2010: 2). چراکه منازعه‌های جدید، اغلب بین دو طرف یا دو بازیگری است که به لحاظ توانمندی در شرایط یکسانی قرار ندارند. برای مثال ممکن است بازدارندگی، موضوعی بین دو کشور ضعیف و قوی یا بین یک دولت و یک بازیگر غیردولتی باشد (Malka, 2008: 1).

## روش شناسی پژوهش

با توجه به اینکه رویکرد کلان این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، غیر آماری بوده و به صورت توصیف و استدلال در چارچوب شاخصه‌های امنیت ملی است، لذا استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران برای قوی‌تر و مستدل نموده یافته‌های پژوهش صورت گرفته است. از این رو، برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه، سعی شده تا جامعه آماری از بین صاحب‌نظران آشنا با موضوع این پژوهش انتخاب شود. در این راستا، پس از بررسی سوابق علمی، پژوهشی و کاری متخصصین این حوزه با روش نمونه‌گیری تمام شمار، تعداد ۹۵ نفر که در زمینه این پژوهش دارای شناخت و تخصص بودند، به عنوان جامعه آماری -مورد شناسایی قرار گرفت.

با توجه به محدود بودن افراد جامعه متخصص در ارتباط با موضوع پژوهش، جامعه آماری با محدودیت خاصی روبرو بوده است. لذا در طی روند اجرای این پژوهش، تعداد ۹۵ نفر از صاحب‌نظران مورد شناسایی قرار گرفتند و از این نفرات نیز، تعداد ۹۱ نفر به شرح زیر به عنوان حجم نمونه حاضر به همکاری شدند. با توجه به اینکه حجم مورد مطالعه کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد، روش نمونه‌گیری تمام شمار بوده و محققین در فرآیند مطالعه میدانی از کلیه افراد جامعه استفاده کرده‌اند.

جدول (۲) ویژگی‌های نمونه آماری

رشته تحصیلی							سطح تحصیلات		
مجموع	مدیریت راهبردی	جامعه شناسی سیاسی	مطالعات منطقه‌ای	جغرافیای سیاسی	علوم سیاسی	روابط بین‌الملل	مجموع	دانشجوی دکتری	دکتری
۹۸	۸	۳	۷	۲۵	۲۵	۳۰	۹۸	۳۹	۵۹

ابزار گردآوری داده‌های پژوهش حاضر، شامل فیش‌برداری (کتابخانه‌ای)، استفاده از مراجع و منابع علمی و همچنین دیدگاه مسئولان مربوطه از وب‌گاه‌های رسمی و معتبر برای تبیین روند تحولات سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، و همچنین روش میدانی - پیمایشی (برای مستدل نمودن یافته‌های بخش کیفی)، بوده است. در بخش تحلیل آماری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته در فرآیند پژوهش استفاده شده است.

در بحث روایی، با توجه به محقق ساخته بودن پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۲۹ نفر از صاحب‌نظران در حوزه‌های مرتبط ارائه گردیده و دیدگاه‌های اصلاحی آنها اعمال گردیده است. پایایی (اعتبار) پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده ضریب آلفای

کروناخ (میانگین) ۰/۸۳ درصد است که نشان دهنده انسجام و ثبات درونی قابل قبول پرسشنامه می باشد.

برای ارزیابی مستدل فرضیه‌های پژوهش با نظر متخصصین این حوزه، در چارچوب تئوریک یاد شده، از پرسشنامه استفاده شده است. در همین راستا، برای تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی (پرسشنامه)، از نرم افزار SPSS استفاده گردیده که در آن از آزمون فریدمن برای تعیین میزان اثرگذاری هر یک از گویه‌های بهره به عمل آمده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### امنیت نظامی و بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای

برای تعیین جایگاه امنیت نظامی و بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، در ابتدا، این پرسش شکل می‌گیرد که عامل اصلی شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تا رسیدن به فناوری و تکمیل تکنولوژی چرخه سوخت هسته‌ای در همه سطوح، از سوی نظام ج.ا.ایران کدامیک از موارد: ۱- امنیت هویتی، ۲- امنیت نظامی و بازدارندگی دفاعی - امنیت اقتصادی بوده است؟ در همین راستا، عوامل شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران به صورت میدانی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید عامل اصلی شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تا رسیدن به فناوری و تکمیل تکنولوژی چرخه سوخت هسته‌ای در همه سطوح، از سوی نظام ج.ا.ایران در راستای دستیابی کشور به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال نظام ج.ا.ایران در کسب علوم و تکنولوژی برتر جهت افزایش پرستیژ و ارتقاء جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است و امنیت اقتصادی و نظامی در جایگاه‌های بعدی قرار داشته‌اند (جدول ۳).

#### جدول (۳) سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای بر اساس میزان

##### اثرگذاری مؤلفه‌های امنیت نظامی و بازدارندگی دفاعی، امنیت اقتصادی و امنیت هویتی

ردیف	میزان اثرگذاری مؤلفه‌های هویتی، اقتصادی و نظامی-امنیتی در شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران	آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)
۱	امنیت اقتصادی (دستیابی ایران به برق هسته‌ای و توسعه صنعتی و کسب منافع اقتصادی)	۳۲/۰۸ درصد
۲	امنیت نظامی (کسب بازدارندگی دفاعی)	۲۵/۵۵ درصد
۳	امنیت هویتی (دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال نظام ج.ا.ایران در کسب علوم و تکنولوژی برتر جهت افزایش عزت و ارتقاء جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل)	۴۲/۳۷ درصد



در خصوص تأثیرگذاری ماهیت هویتی نظام ج.ا.ایران و برون دادهای هویتی آن بر سیاست امنیت ملی کشور در پرونده هسته‌ای، باید عنوان داشت که هویت کنونی ایرانی از ساختمانی اختلاطی برخوردار بوده و محصول بنیان‌های فرهنگی-هویتی ایرانیان از جمله جغرافیا (سرزمین، نژاد، زبان، موقعیت و...)، اساطیر و رویدادهای تاریخی و همچنین اصول و اعتقادات دینی و مذهبی است که در گذر زمان در طول لایه‌های فرهنگی-هویتی «ایران باستان»، «اسلامی-شیعی»، «مدرنیته» و «انقلاب اسلامی» تولید، بازتولید و بر ساخته شده است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر ساخته‌ی دیالکتیک، لایه‌های هویتی ایرانی، اسلامی، مدرن و عناصر گفتمان انقلاب اسلامی است. این بستر هویتی تحت تأثیر ساختارهای مادی و هنجارهای نظام بین‌الملل، هویت فراگیر، ایدئولوژیک و در حال گذار انقلاب اسلامی، منافع ملی و فراملی ایران و سیاست خارجی اعلامی و اعمالی آن را پدید می‌آورد. بر این اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محصول تعامل پویای ساختارهای مادی و معنایی است که در بستر یک ابرگفتمان هویتی به نام گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته است که نمود و بر ساخته‌ای از برون دادهای فرهنگی-هویتی ایرانی-اسلامی می‌باشد. تأثیرگذاری عوامل فرهنگی-هویتی ایرانی اسلامی در برنامه هسته‌ای در راستای دستیابی به دانش و فناوری هسته‌ای و تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در همه سطوح، به عنوان نمادی از توانایی و استقلال نظام ج.ا.ایران در کسب علوم و تکنولوژی برتر جهت افزایش پرستیژ و همچنین ارتقاء جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است. هدف ایرانیان، کسب ترقی و پیشرفت عزتمندانه در سایه دینداری و حفظ هویت خود است و تلاش برای رسیدن به بالاترین مدارج تمدن و تجدید مجد و عظمت پر افتخار تمدن‌های گذشته وجهه همت ایرانیان می‌باشد.

طرفداران برنامه هسته‌ای در داخل ایران متأثر از برون دادهای هویتی ایران مداری آرمان‌گرایانه و اعتماد به نفس و برتری طلبی ایرانی، بر این امر تأکید دارند که داشتن یک برنامه هسته‌ای پیشرفته غرور بر انگیز بوده و باعث ایجاد پرستیژ برای ایرانیان شده و در نظام بین‌المللی موضع و جایگاه ایران را ارتقاء می‌بخشد. برون دادهای هویتی ایرانی استقلال خواهی و سلطه ناپذیری نیز از جایگاه ویژه‌ای برای پیگیری برنامه هسته‌ای برخوردار بوده‌اند. از این منظر، خودکفایی در تولید سوخت هسته‌ای بر مبنای اصل «نفی سبیل» به عنوان یک اصل ثابت از سوی نظام ج.ا.ایران در دستور کار قوه مجریه در دولت مختلف قرار گرفته است (رستمی و غلامی، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

در مجموع می‌توان گفت ج.ا.ایران به دلایل زیر حرکت در راستای دانش هسته‌ای را در پیش گرفت:

۱- در بعد داخلی، هر چند رژیم گذشته برنامه هسته‌ای را در ایران شروع کرد و حتی پیشرفت برنامه آنها در صورت بقای رژیم در کمتر از ۱۰ سال، بسیار بیشتر از ۴ دهه از عمر ج.ا.ایران بود، اما از نگاه مسئولان ج.ا.ایران برنامه هسته‌ای و تکنولوژی‌های مرتبط با آن، در دوره پهلوی کاملاً

۲- وارداتی بود و ایرانیان سهمی در این فناوری نداشتند. بنابراین تنها چیزی که می‌توانست تمایز نظام ج.ا.ایران نسبت به رژیم قبلی- که همواره یکی از نقدهای وارد بر آن را «وابستگی به بیرون» می‌دانند- را نشان دهد، «استقلال» و «عدم وابستگی» در حوزه‌های مختلف از جمله دانش و فن‌آوری هسته‌ای بود. از این رو، بومی‌سازی دانش هسته‌ای و دسترسی دانشمندان ایرانی به این دانش و تکنولوژی برای ج.ا.ایران اهمیتی بسیار بیشتر از یک پیشرفت صنعتی معمولی داشت.

۳- در بعد خارجی نیز، ج.ا.ایران از منظر هویتی دارای تضادهای ماهوی با قدرت‌های خارجی و به خصوص کشورهای غربی می‌باشد و عقب ماندگی علمی-فناوری و وابستگی تکنولوژیک به کشورهایی که ج.ا.ایران از منظر ارزشی و هویتی خود را برتر و بالاتر از آنها می‌داند، به نوعی در تضاد با هویت «ایران‌گرایی آرمان‌گرایانه»، «استقلال طلبی» و «عدم وابستگی» به قدرت‌های خارجی است.

**امنیت نظامی و بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی دولت هشتم در پرونده هسته‌ای**  
برنامه هسته‌ای ایران در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی جنبه بین‌المللی پیدا کرد و فراز و نشیب‌های پرونده هسته‌ای از این دوره شروع شد. این دوره یکی از برهه‌های مهم است که در آن، ضمن اینکه برنامه هسته‌ای ایران به پیشرفت‌های قابل توجهی رسید، جنبه‌ای بین‌المللی نیز پیدا کرد و تحت عنوان پرونده هسته‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح و به ابزاری برای اعمال فشار بر ایران از سوی آمریکا و کشورهای غربی تبدیل شد (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

آمریکا و سه کشور اروپایی (ترویکای اروپایی) در سال ۱۳۸۲ بعد از اطلاع یافتن از حجم گسترده و رسیدن به نقطه «بازگشت‌ناپذیر» فعالیت‌های هسته‌ای «دگر هویتی» خود یعنی ایران، ضمن مطرح ساختن دلایلی جهت مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران، خواستار توقف کامل آن شدند، و ضمن درخواست از ایران برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موج تبلیغاتی شدیدی بر ضد برنامه هسته‌ای ایران به راه انداختند (مهیدیان، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

در آن مقطع از زمان به دو دلیل «نگاه» آمریکا و اروپا به ایران و برنامه هسته‌ای آن منفی بود. اول اینکه کشورهای غربی (آمریکا و اروپا) ایران را «دگر هویتی» خود می‌دیدند، و به تبع

موافق پیشرفت ایران در زمینه دانش و فناوری راهبردی هسته‌ای نبودند. از سوی دیگر برخی موارد (مانند عدم اطلاع به موقع آژانس) در برنامه هسته‌ای ایران نیز به «بدبینی» آنها نسبت به این برنامه افزوده بود و به همین دلیل جو سنگینی در عرصه بین‌المللی بر ضد ایران به راه انداختند. از این رو نیاز بود دولت وقت، ضمن توجه به حفظ و پیشرفت برنامه نوپای هسته‌ای، در مقابل بدبینی‌ها و فشارهای بین‌المللی شکل گرفته بر ضد ایران سیاست مناسبی را اتخاذ نماید.

بررسی‌های و ارزیابی میدانی نشان می‌دهد، از دیدگاه صاحب‌نظران در دوره ریاست جمهوری خاتمی جنبه امنیت نظامی برنامه هسته‌ای (دستیابی ایران به سلاح اتمی و کسب بازدارندگی دفاعی) اولویت نداشته است. در این دوره هر چند عوامل اقتصادی (توسعه اقتصادی و دستیابی به برق صنعتی) و ملاحظات دفاعی و امنیتی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای تأثیرگذار بوده است، اما عامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، عوامل هویتی بوده و متأثر از رویکرد کلان نظام ج.ا.ایران شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در آن دوره در راستای دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت افزایش پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است. جدول (۴).

جدول (۴) جایگاه امنیت نظامی در سیاست امنیت ملی دولت هشتم در پرونده هسته‌ای

ردیف	رویکرد امنیت ملی ج.ا.ایران در دوره سید محمد خاتمی در خصوص برنامه هسته‌ای	آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)
۱	امنیت اقتصادی (دستیابی ایران به برق هسته‌ای و توسعه صنعتی و کسب منافع اقتصادی)	۳۷/۰۸ درصد
۲	امنیت نظامی (کسب بازدارندگی دفاعی)	۲۲/۲۹ درصد
۳	امنیت هویتی (دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت افزایش پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل)	۴۰/۶۲ درصد

در آن دوره، سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول گفتگو و مفاهمه بین‌الادّهانی برای رفع سوء برداشت‌ها و بدبینی‌ها و جلب اعتماد دولت‌ها مورد توجه قرار گرفت. از این رو، گفتگو و تعامل و همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی خصوصاً آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دنبال گردید و سعی گردید تا با اعتمادسازی و شفافیت، راه اصلی کشور برای دستیابی

به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای بدون تنش با دیگر کشورهای جهان طی شود (طباطبایی و توپچی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در این زمینه، دولت خاتمی در راستای اعتماد سازی به صورت همزمان مذاکره با کشورهای اروپایی و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در دستور کار قرار داد (Soltani & Ekhtiari Amiri, 2010: 204) و در ادامه مذاکرات با تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و بیان مکرر مقام‌های بلند پایه ایرانی مبنی بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای، در مسیر اعتماد سازی شفاف سازی گام برداشت (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴).

ایران همچنین، برای نشان دادن حسن نیت خود و همچنین رفع ابهامات و نگرانی‌های طرف غربی و در راستای سیاست اعتماد سازی به طور متناوب اجازه بازدید از سایت‌های هسته‌ای ایران را به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌داد (طباطبایی و توپچی، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۲۶). اما این همکاری‌ها و تعاملات ایران که با هدف رفع سوء تفاهم‌ها و ایجاد اعتماد در طرف مقابل صورت پذیرفت، کمکی به حل موضوع نکرد و فقط آن را مشمول مرور زمان کرد و در عمل نیز به دلیل زیاده‌خواهی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به نتیجه مناسبی منتهی نشد (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۰۹) به طوری که در مقابل اعتماد و تعامل ایران، اروپایی‌ها و آمریکا حاضر به شناسایی حق غنی‌سازی محدود (حتی در مقیاس آزمایشگاهی) برای ایران نشدند و درخواست کنار گذاشتن تمامی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نمودند. خواست کشورهای اروپایی این بود که ایران به جای تعلیق غنی‌سازی، برای همیشه این برنامه را در ازای برخی مشوق‌های اقتصادی کنار بگذارد. ایالات متحده آمریکا نیز با نگاهی که به «کیستی» «خود» و ج.ا.ایران داشت، حاضر به هیچ نوع تعاملی با ایران نبود. در آن مقطع، آمریکایی‌ها نمی‌خواستند تحت هیچ شرایطی با ایران به توافق برسند. برای آنها پرونده‌ی هسته‌ای تنها بهانه‌ای بود برای انداختن دگر و دشمن خود - یعنی ایران - در همان مسیری که عراق افتاده بود. در این خصوص، محمد البرادعی مدیر کل پیشین سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در اولین سالگرد برجام در دی ماه ۱۳۹۵، در خصوص عدم دستیابی ایران و غرب به توافق هسته‌ای در دوره خاتمی تأکید کرد: «اگر حماقت غرب نبود دستیابی به توافقی بهتر، از ۱۰ سال قبل امکانپذیر بود» (روایت البرادعی از مذاکرات هسته‌ای، ۱۳۹۵/۱۰/۲۷).

### بازدارندگی دفاعی در سیاست امنیت ملی دولت‌های نهم و دهم در پرونده هسته‌ای

در راستای تبیین سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، عوامل اصلی شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به صورت میدانی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید؛ پیگیری و گسترش برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در همه حوزه‌ها، در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در

راستای دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت افزایش پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است (جدول ۵).

در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در همه حوزه‌ها گسترش پیدا نمود و در مقابل، همزمان با پیشرفت‌های فنی ایران، آمریکا و کشورهای غربی ضمن ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل و صدور قطعنامه‌های متعدد، شدیدترین تحریم‌ها را بر ضد ایران اعمال نمودند (مهدیان، ۱۳۹۶: ۱۹۵).

#### جدول (۵) جایگاه امنیت نظامی در سیاست امنیت ملی دولتهای نهم و دهم در پرونده هسته‌ای

ردیف	علت پیگیری و گسترش برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در همه حوزه‌ها، در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد	آزمون فریدمن (میانگین اثرگذاری)
۱	امنیت اقتصادی (دستیابی ایران به برق هسته‌ای و توسعه صنعتی و کسب منافع اقتصادی)	۳۳/۵۵ درصد
۲	امنیت نظامی (کسب بازدارندگی دفاعی)	۲۴/۴۳ درصد
۳	امنیت هویتی (دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت افزایش پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل)	۴۱/۰۲ درصد

دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد همواره طی دوران زمامداری خویش می‌کوشید مانند یک دولت انقلابی در عرصه روابط بین‌الملل رفتار کند. در زمینه انرژی هسته‌ای نیز، با وجود صدور قطعنامه‌های سازمان ملل، تحریم‌ها و حتی تهدید به جنگ، نه تنها هیچ‌گاه از موضع خود در قبال برنامه هسته‌ای کوتاه نیامد بلکه با ندیده گرفتن قطعنامه‌های مذکور و پیامدهای آنها، برنامه هسته‌ای کشور را در همه زمینه‌ها با سرعت بالایی توسعه داد (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۳) و احمدی‌نژاد در مبحث بر ساختن نگاه به برنامه هسته‌ای در دو بعد داخلی و خارجی نقشی محوری ایفا نمود. در بعد داخلی با کشاندن بحث به همه سطوح جامعه و تأکید بر شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست»، توانست پیشرفت‌های هسته‌ای کشور را به عنوان نمادی افتخار آفرین و غرور آمیز برای ایرانیان معرفی نماید که عموم جامعه داشتن برنامه هسته‌ای را از حقوق حقه خود می‌دانستند. در بعد خارجی نیز احمدی‌نژاد و اصول‌گرایان هم طیف او، با برجسته کردن کارشکنی‌های طرف‌های غربی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، خواهان آن شدند که

بتوانند هر چه سریع‌تر و بدون فشار کشورهای غربی، حق دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را به دست آورند (طباطبایی و توپچی، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

دولت محمود احمدی‌نژاد از کارشکنی طرف‌های غربی در انجام توافقنامه‌ها و تعهدات خود، عدم احقاق حقوق هسته‌ای و دو سال تعلیق داوطلبانه تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، نتایج مهم شناختی گرفت که همگی آن‌ها به ساختن هویت ویژه‌ای [در خصوص «کیستی»] کشورهای غربی به ویژه ایالت متحده منجر گردید. این هویت برخاسته از رفتار کشورهای غربی، به یک ویژگی مشروعیت بخش برای بسیاری از رفتارهای آتی دولت اصولگرایان در مسئله هسته‌ای مبدل گشت. از این رو، دولت احمدی‌نژاد به این جمع‌بندی رسید که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی باشند، درصدد تسلیم و تمکین ایران‌اند. این نوع نگاه و نتیجه‌گیری باعث گردید تا اصول‌گرایان در دوره احمدی‌نژاد سیاست تقابلی را در برابر غرب اتخاذ نمایند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

برونداد هویتی پایداری و مقاومت که در دولت احمدی‌نژاد به صورت برجسته‌ای نمود پیدا کرده بود، باعث گردید این دولت، با وجود جدی بودن تهدیدات امریکا در سال ۲۰۰۶ برای تعلیق کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران حتی به قیمت جنگ تمام‌عیار، نه تنها برنامه هسته‌ای را متوقف نکند، بلکه آن را در تمام زمینه‌های کمی و کیفی توسعه دهد. رویکرد اتخاذی دولت ایران در زمان احمدی‌نژاد، فضای حاکم بر تعامل ایران و اروپا را تغییر داد و همسویی اروپا و امریکا در در پی داشت (مه‌دی‌یان، ۱۳۹۶: ۱۹۸).

**بازدارندگی دفاعی و امنیت نظامی در سیاست امنیت ملی دولت یازدهم در پرونده هسته‌ای**

در شروع دوره ریاست جمهوری روحانی شرایط پرونده هسته‌ای به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییر نموده بود. در بعد فنی، ایران به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در برنامه هسته‌ای خود دست پیدا کرده بود و بجز رآکتور اراک-که علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده بود- تقریباً در بقیه حوزه‌ها در سطح بالایی برنامه هسته‌ای خود را در ابعاد کمی و کیفی توسعه داده بود. البته هم‌زمان با پیشرفت‌های فنی ایران، فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی در عرصه بین‌المللی برای ایران در حال تنگ‌تر شدن بود. تا جایی که می‌توان گفت؛ تمام حالاتی که در آن ایران به گسترش برنامه هسته‌ای خود اقدام کرده، با پاسخ متقابلی از جانب کشورهای غربی در لوای شورای امنیت یا ایالات متحده به صورت مستقل مواجه شده بود (نوریخس و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۲). از این رو، نوع «نگاه» و «برداشت» دولت روحانی به «کیستی» ج.ا.ایران و «چیستی» برنامه اتمی‌اش و همچنین «شرایط محیط بین‌المللی» اهمیت بالایی دارد. در همین راستا، برای تبیین سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای در دوره ریاست جمهوری

حسن روحانی نیز، ابتدا این پرسش بدین صورت مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت که پیگیری و تداوم برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی، متأثر از کدامیک از موارد: ۱- هویتی، ۲- نظامی-دفاعی و ۳- اقتصادی بوده است؟ در این راستا، عامل اصلی پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی نیز به صورت میدانی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید. بررسی‌های و ارزیابی میدانی نشان می‌دهد، از دیدگاه صاحب‌نظران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی رویکرد امنیت نظامی برنامه هسته‌ای (دستیابی ایران به سلاح اتمی و کسب بازدارندگی دفاعی) اولویت نداشته است و حتی نسبت به دوره‌های قبل کاهش داشته است. در این دوره نیز هر چند عوامل اقتصادی (توسعه اقتصادی و دست‌یابی به برق صنعتی) و ملاحظات دفاعی و امنیتی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای تأثیرگذار بوده است، اما عامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای، عوامل هویتی بوده و حتی نسبت به دوره‌های قبل افزایش داشته است و متأثر از رویکرد کلان نظام ج.ا.ایران علاوه بر اینکه به برنامه هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت افزایش پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده، تداوم آن جنبه‌ای حیثیتی پیدا نموده است (جدول ۶).

**جدول (۶) جایگاه امنیت نظامی در سیاست امنیت ملی دولت یازدهم در پرونده هسته‌ای**

ردیف	علت پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی	آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)
۱	امنیت اقتصادی (دستیابی ایران به برق هسته‌ای و توسعه صنعتی و کسب منافع اقتصادی)	۳۹/۵۱ درصد
۲	امنیت نظامی (کسب بازدارندگی دفاعی)	۱۹/۳۲ درصد
۳	امنیت هویتی (حفظ توانمندی‌های ایران در دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت حفظ پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل)	۴۱/۱۷ درصد

دلیل اینکه همه دولت‌های ایران در دوره خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی بر حفظ برنامه هسته‌ای کشور تحت هر شرایطی اصرار داشته و دارند این است که ایرانیان با نگاهی که به «کیستی» خود دارند این راه را به عنوان یک راه بدون بازگشت معرفی کرده‌اند و از منظر امنیت هستی‌شناختی، ایرانیان متأثر از نگاه هویتی خود، داشتن و حفظ چرخه سوخت هسته‌ای را مایه افتخار و آبرو خود دانسته و در مقابل کوتاه آمدن و کنار گذاشتن آن را مایه ذلت و خواری و سرافکندگی خود

می‌دانند. از این رو با وجود تحریم‌های متعدد، تغییری در این موضع دولت‌های ایران و رهبریشان ذکر صورت نگرفته است. حتی در توافقنامه‌هایی نظیر سعدآباد، رهبری ج.ا.ایران همواره از عقب‌نشینی‌های صورت گرفته به‌عنوان تجربه یاد کرده است و نه اینکه چنین عقب‌نشینی‌ای را سیاست دائم ایران ذکر کند (نوربخش و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش در راستای تحلیل جایگاه امنیت نظامی (بازداندگی دفاعی) در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای صورت پذیرفته است. در این خصوص سیاست امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این رو، این پرسش که امنیت نظامی نسبت به سایر ابعاد هویتی و اقتصادی امنیت چه جایگاهی را برای شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تا رسیدن به فناوری و تکمیل تکنولوژی چرخه سوخت هسته‌ای در همه سطوح، از سوی نظام ج.ا.ایران داشته است؟ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و مشخص گردید رویکرد امنیت نظامی (دستیابی ایران به سلاح اتمی و کسب بازدارندگی دفاعی) در برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران اولویت نداشته است و هر چند عوامل اقتصادی (توسعه اقتصادی و دستیابی به برق صنعتی) و ملاحظات دفاعی و امنیتی در روند پرونده هسته‌ای بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای تأثیرگذار بوده است، اما عامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای، امنیت هویتی بوده و متأثر از رویکرد کلان نظام ج.ا.ایران، شروع و پیگیری برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران از شروع برنامه هسته‌ای در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، بسط و گسترش آن در دوره محمود احمدی‌نژاد و پذیرش محدودیت‌های برجانی بر آن در دوره حسن روحانی - در راستای دستیابی ایران به دانش و فناوری پیشرفته هسته‌ای و حفظ آن به عنوان نمادی از توانایی و استقلال ایرانیان جهت افزایش پرستیژ و جایگاه هویتی ج.ا.ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است.

نکته قابل توجه آن است که بر اساس نتایج به دست آمده جایگاه امنیت نظامی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در برنامه هسته‌ای همزمان با افزایش فشارهای اقتصادی و تهدیدات نظامی بر علیه ج.ا.ایران و برنامه هسته‌ای آن در دوره احمدی‌نژاد اندکی افزایش داشته و از ۲۲/۲۹ درصد در دوره خاتمی به ۲۴/۴۳ درصد در دوره احمدی‌نژاد افزایش پیدا نموده است. اما در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی با شکل‌گیری رویکرد تعاملی بین ایران و نظام بین‌الملل و کاهش تهدیدات و فشارها، روند کاهشی پیدا نموده و از ۲۴/۴۳ درصد در دوره احمدی‌نژاد به ۱۹/۳۲ درصد در دوره اول روحانی کاهش یافته است. از این رو، علی‌رغم اینکه رویکرد بازدارندگی دفاعی



جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تسلیحات متعارف نظامی بوده و ساخت سلاح هسته‌ای به صورت اعلامی و اعمالی مد نظر مسئولان ج.ا.ایران قرار ندارد، اما به نظر می‌رسد، خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» و تلاش دولت این کشور برای ایجاد مشکل در اجرای توافق هسته‌ای و رویکرد دولت «جو بایدن» برای استفاده از اهرم فشار بین‌المللی برای تغییر روند و متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران و یا سمت دادن مجدد پرونده هسته‌ای به سمت شورای امنیت و تهدید امنیت کشور، منجر به تغییرات معناداری در جایگاه امنیت نظامی در سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در برنامه هسته‌ای گردد.

## قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

## منابع

- اچ. کستر، جورج و دیگران (۱۳۸۶)، *استفاده‌های غیر سنتی از نیروی نظامی*، ترجمه: محمد علی متقی نژاد، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۰)، *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، تهران، سمت.
- ام. الیوت، جفری و رجینالد، رابرت (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک*. ترجمه‌ی میرحسین رئیس زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- البرادعی، محمد (۱۳۹۵)؛ *مذاکرات هسته ای با ایران در دوره بوش*، تهران، روزنامه دنیای اقتصاد، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ کد خبر: DEN-1087182.
- بصیری، محمد علی (۱۳۸۰) *تحولات مفهوم امنیت ملی*، تهران، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال چهارم، شماره اول و دوم، فروردین و اردیبهشت.
- بوزان، باری و دیگران (۱۳۸۶)، *چارجوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بینائیان، ابازر. (۱۳۹۹). نقش سیاست بر تقویت انسجام و هویت ملی مطالعه موردی: سیاست انرژی هسته‌ای ج.ا.ایران، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلتیک*، شماره ۳، بهار.
- جعفری، علی اکبر و جانباز، دیان. (۱۳۹۵). تنوع گفتمانی در سیاست خارجی ج.ا.ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای، تهران، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار، شماره پیاپی ۴۶.

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطایی، مهدی. (۱۳۹۳). گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره اول، بهار، شماره مسلسل ۶۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۱). نوواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر امنیت ملی در جهان سوم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- رستمی، فرزاد و غلامی حسن آبادی، مسلم. (۱۳۹۴). امنیت هستی‌شناختی و استمرار مناقشه هسته‌ای ایران و غرب، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره اول.
- روشندل، جلیل. (۱۳۸۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، سمت، چاپ سوم.
- طباطبایی، سیدمحمد. و توپچی، میلاد. (۱۳۹۴). مقایسه‌سیاست‌های هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات و اصول‌گرایی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان، شماره پیاپی ۴۳.
- طباطبایی، سیدمحمد، منتظری، حمیدرضا. (۱۳۹۷). مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۷، شماره ۱.
- عبد الله خانی. (۱۳۸۶). نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۷۷). سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع‌سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵.
- عسگری، محمود. و مهدیان، حسین. (۱۳۹۵). قدرت دریایی و بازدارندگی ج.ا.ایران، تهران، نشر انتخاب.
- کریمی فرد، حسین. و بینش فر، علیرضا. (۱۳۹۹). آثار سیاسی فناوری هسته‌ای بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست، دوره ۵۰، شماره ۱.
- ماندل، رابرت. (۱۳۸۷). چهره متغییر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- محمدی، مجتبی. (۱۳۹۱). نقش آمریکا در سیاست‌های اروپا و روسیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۲). جزوه تئوری‌های جدید در روابط بین‌الملل، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- منتظران، جاوید. و تاج‌آبادی، حسین. (۱۳۹۵). بررسی اهداف و اصول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره چهارده.
- مهدیان، حسین. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر بازار نفت، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، سال پانزدهم، آبان، شماره ۱۶۲.

- مهدیان، حسین. (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران، انتشارات فرماندهی و ستاد ارتش.
- مهدیان، حسین. (۱۳۹۶). سیاست امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای، دانشگاه اصفهان، رساله دکتری در رشته علوم سیاسی.
- مهدیان، حسین، آقاحسینی، علیرضا. و علی حسینی، علی. (۱۳۹۵). تحلیل بازدارندگی توانمندی‌های هسته‌ای ایران، فصلنامه دفاعی-راهبردی/اندیشه نوین، سال اول، شماره اول.
- نعمتی، امیر حسین. و مهدیان، حسین. (۱۳۹۴)، تحلیل جایگاه قدرت نظامی در تأمین بازدارندگی ملی، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، دوماننامه اطلاعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۱۳۱، آذر و دی.
- نوربخش، سید هادی، غفوری، سید محمد حسین. و ملکی، عباس. (۱۳۹۴). به کارگیری نظریه بازی‌ها در تحلیل منازعه ایران و آمریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران، تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و چهار.
- Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms. Joint Publication 1-02. (Washington, DC: DoD, 2012), 279.
- Freedman, Lawrence (2004). Deterrence, Cambridge, Polity Press.
- George, Alexander and Richard Smoke (1974). Deterrence in American Foreign Policy: Theory and Practice, New York, Columbia University Press.
- Gray, Colin (Dec 1990). The Definitions and Assumptions of Deterrence, The Journal of Strategic Studies, Vol 13, No 4.
- Kestutis, Paulauskas(2016). On Deterrence, Deterrence as a Complex and Nuanced Enterprise.
- Knopf, Jeffrey W. (April 2010). The Fourth Wave in Deterrence Research, Contemporary Security Policy, Vol. 31, No.1
- Lamarque ,Kevin (2020)" What Is the Iran Nuclear Deal? Council on Foreign Relations, <https://www.cfr.org/background/what-iran-nuclear-deal>.
- Malka, Amos (20-23 jan 2008). "The Power of Weakness" vs. "The Weakness of Power" Asymmetrical Deterrence, The Eighth Herzliya Conference on the Balance of Israel's National Security "Israel at Sixty: Tests of Endurance", available at [www.herzliyaconference.org](http://www.herzliyaconference.org).
- Michael J. Mazarr (2018). Understanding Deterrence, RAND Corporation, Expert insights on a timely policy issue: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE295.html>
- Morgan, Patrick (1983). Deterrence, A Conceptual Analysis, Beverly Hills, Sage.
- Mousavian,Hossein (2018)" Building on the Iran Nuclear Deal for International Peace andSecurity"JournalforPeaceandNuclearDisarmament ,<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/25751654.2017.1420373>.
- OYAMA, KOSUKE ,JAPANESE ENERGY SECURITY AND CHANGING GLOBAL ENERGY MARKETS, KEIO UNIVERSIT Y,p 3, MAY 2000.
- Prabhakaran, Paleri, National Security: Imperatives And Challenges (New Delhi: Tata McGraw-Hill, 2008), 521.

- Robinson ,Kali (2021) ” What Is the Iran Nuclear Deal?”, Council on Foreign Relations, <https://www.cfr.org/backgrounder/what-iran-nuclear-deal>.
- Soltani ,Fakhreddin and Ekhtiari Amiri, Reza (2010). Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution, Journal of Politics and Law, Vol 3, No 2.
- Szpyra ,Ryszard(2014). Military Security within the Framework of Security Studies, the Institute of State Security, National Security Faculty, National Defense University in Warsaw, Poland.PP64-65.
- [www. Khamenei.ir](http://www.Khamenei.ir)